

معرفی و بررسی برخی ویژگی‌های اسفار خمسه لندن (PL)

«قدیمی‌ترین ترجمه تاریخ‌دار تورات به خط فارسی - عبری»^۱

حامد نوروزی^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

(از ص ۱۰۵ تا ۱۲۳)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۱ تاریخ پذیرش قطعی ۹۱/۷/۱۰

چکیده

متون فارسی - عبری، متونی هستند که به زبان فارسی و به خط عبری به نگارش درآمده‌اند. سابقه پیدایش این متون به پیش از نخستین اثر فارسی به خط عربی، یعنی کتاب *الابنیه عن حقایق الادویه* اثر ابومنصور موفق هروی به کتابت اسدی طوسی (۴۴۷ هجری قمری) بازمی‌گردد. بنابراین تحقیق درباره این متون برای بررسی‌های تاریخی زبان فارسی امری حیاتی و بسیار مهم است. یکی از حوزه‌های بسیار مهم متون فارسی - عبری ترجمه‌های تورات به ویژه اسفار خمسه به زبان فارسی و به خط عبری است. کهن‌ترین ترجمه تاریخ‌دار اسفار خمسه به فارسی - عبری، نسخه اسفار خمسه لندن، معروف به PL است که در بریتیش میوزیوم لندن نگهداری می‌شود. این نسخه در ۱۵ مارس ۱۳۱۹ میلادی کتابت شده، مترجم اصلی آیات آن شخصی به نام ابی سعید و کاتب (و احتمالاً یادداشت‌نویس) آن نیز شخصی به نام یوسف بن موسی بوده است. این متن دارای ویژگی‌های منحصر به فرد لغوی، رسم‌الخطی، صرفی و نحوی بسیاری است. نگارنده در این مقاله تنها به معرفی مختصر ویژگی‌های کلی این متن، مانند رسم‌الخط، شیوه اعراب‌گذاری، انجامه نسخه، مکان کتابت و نام مترجم و کاتب پرداخته، بررسی‌های دقیق‌تر در حوزه‌های لغوی و زبان‌شناختی را به مقالات بعدی وامی‌نهد.

واژه‌های کلیدی: فارسی - عبری، اسفار خمسه لندن (PL)، رسم‌الخط، اعراب‌گذاری

ترجمه‌ها و شرح‌های اسفار خمسه

بخش بسیار مهم و کهنی از متون فارسی-عبری^۲ ترجمه‌ها، تفسیرها و شرح‌هایی است که از عهد عتیق، به ویژه اسفار خمسه در کتابخانه‌هایی مانند کتابخانه ملی پاریس، واتیکان، موزه بریتانیا، لندن گراد و نظیر آن نگهداری می‌شود. اولین ترجمه فارسی-عبری چاپ شده از اسفار خمسه ترجمه یعقوب طاووسی^۱ بود که پروفیسور گیدی^۳ () آن را مفصلاً بررسی کرده است. این نسخه در سال ۱۵۴۶ میلادی در قسطنطنیه چاپ شده و کاملاً متأثر از نسخه لندن و بسیار متأخرتر از آن است (سلیگسون، ۱۹۰۳: ۲۸۸). نخستین کسی که به نسخه واتیکان توجه نمود نیز گیدی بود که در ۱۸۸۵ حواشی و یادداشت‌های مختصری بر اسفار خمسه واتیکان نوشت. گیدی در بررسی خود دو فصل از نسخه واتیکان را نیز چاپ کرد و نتیجه گرفت که نسخه واتیکان بر ترجمه طاووسی مقدم بوده و طاووسی در ترجمه خود از نسخه واتیکان استفاده کرده است (idem).

پیپر طی سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۶ متن کامل این نسخه را به انگلیسی حرف نویسی و چاپ کرد. در سال ۲۰۰۱ ملیکیان سفر پیدایش این نسخه را از روی حرف‌نویس انگلیسی پیپر به صورت فارسی حرف‌نویسی کرد. نسخه دیگری که از ترجمه اسفار خمسه در دست است و موضوع بررسی حاضر نیز هست در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. ترجمه اخیر، تنها نسخه مورخ ترجمه اسفار خمسه به فارسی است.

اسفار خمسه لندن (PL)

مارگولیو^۳ در فهرستی که از نسخ خطی موزه بریتانیا ارائه کرده است، چنین می‌نویسد: «موزه بریتانیا اخیراً مجموعه کوچکی از دست‌نوشته‌ها را از تهران به دست آورده که برای پژوهشگرانی که هم تسلط کافی بر زبان فارسی و هم دانش دریافت ادبیات عبری را داشته باشند بسیار جالب است». علاوه بر دست‌نوشته‌هایی که مارگولیو ذکر کرده بود، یک دست‌نوشته دیگر نیز در آخر به دست موزه بریتانیا رسید. این دست‌نوشته بسیار جالب توجه است. زیرا احتمالاً قدیم‌ترین ترجمه از اسفار خمسه به فارسی است که تا کنون شناخته شده (سلیگسون، ۱۹۰۳: ۲۷۸). این متن که نخستین

^۱ . Jacob Tavusi

^۲ . Guidi

^۳ .Margoliouth

بار سلیگسن آن را شناسایی و معرفی کرد (پیپر XI p,) در پایان قرن اول حمله مغول به ایران نوشته شده است (idem). لازار در مقاله‌ای که درباره گویش‌شناسی متون فارسی-عبری نوشته است، این متن را به اختصار PL (Pantateuch of London) نامیده (لازار، ۱۳۸۴، ص ۵۵) و ما نیز همین اختصار را برای این متن برگزیدیم. تاریخ کتابت نسخه PL، چه اصل باشد و چه رونوشت، اوایل قرن ۱۴ میلادی [۸ هجری قمری] است. بنابراین روشن است که این ترجمه دست‌کم دو و نیم قرن قدیم‌تر از ترجمه طاووسی است. احتمالاً نسخه PL از ترجمه مورد بررسی گیدی (PV) نیز کهن‌تر بوده است (سلیگسوهن، ۱۹۰۳: ۲۸۸-۲۸۹). برای آشنایی بیشتر و مقایسه اجمالی سه ترجمه مذکور اسفار خمسة، گزیده‌هایی از این سه متن با حرف‌نویس فارسی در زیر می‌آید (از چپ به راست PL, PV و Ta):

<p>و ابرهم پیر شود برسید بروزگاران و یوو آفرین کرد ازمر ابرهم را بهمه چیزی : و گوفت ابرهم بنده اوی پیر کانه (خانه) اوی آن مسلط باشا بهمه آنچ باوی بنیه نون دست تو پرود (فرود) ران من : و سوگند دهم تو را بامر h کودای (خدا) آسمان و کودای (خدا) زمین آنچ نستانی زن بیسر من دوکتران (دختران) آن کنعنی آنچ من نشینا در میان ایشان : ایلا بولایت من بمولود جای من بروی و بستانی زن بیسر من بیصحق : گوفت باوی آن بنده اگر نه مراد کوند آن زن بآمدن پس من باین زمین این ها بازگردانیدن بازگردانم ازمر پوسر تو را بآن زمین آنچ بیرون آمدی از آنجا : و گوفت باوی ابرهم هوشیار بوده ای بتو تا نیازگردانی ازمر پسر مرا بآنجا : h کودای (خدا) آسمان آنچ براونید مرا از کاندان (خاندان) پدر من و از زمین مولود جای من و آنچ سکون (سخن) گوپت بمن و آنچ وفا بست بمن بگوفتن بفرزندان تو بدهم ازمر اون زمین این اوی بفریستد ملاک اوی بیپیش تو و بستانی زن بیسر من از آنجا : و اگر نه مراد کوند آن زن</p>	<p>و ابرهم پیر شود شود بروزگاران و خودای آفرین کرد مر ابرهم بهمه چیزی : و گوفت ابرهم بنده اوی پیر شده خانه اوی مسلط رانا بهمه آنص (آنچه) باوی بنیه نون دست تو زیر ران من : و سوگند دهم ابر تو بامر خودای خودای آسمان و خودای آن زمین آنچی نه ستانی زن بیسر من از دوخران کنعنیان آنص (آنچه) من نشینا در میان ایشان : الا بزمین من و بمولود جای من بیرووی و بی‌ستانی زن بیسر من بیصحق : و گوفت باوی آن بنده مگری نه مراد باشد آن زن بآمدن پس من باز زمین این ها بازگردانیدن بازگردانم مر پوسر تو باز زمین آنچی بیرون آمدی از آنجای : و گوفت باو ابرهم هوشیار بودای بتو تا نه باز گردانی مر پوسر من بآنجای : خودای خالق آسمان آنچی رایانید مرا از خانه پدر من و از زمین مولود جای من آنص (آنچه) سوگند خورد بمن بگوفتن بنسل تو بی‌دهم مر آن زمین این اوی بفرستد ملاک اوی در پیش تو و بی‌ستانی زن بیوسر من از آنجای : و</p>	<p>و ابرهم پیر آمد در روزگاران و خدا آفرین کرد مر ابرهم در همه : گفت ابرهم بنده‌ی او پیر خانه‌ی او آن مسلط در همه آنچه باو بنه اکنون دست تو فرود ران من : سوگند هم ترا در خدای آن آسمان و خدای آن زمین آنچه نستانی زن بیسری من از دختران آن کنعنی آنچه من نشینا در میان او : که بزمین من و بمولود جای من بروی و بستانی زن بیسری من بیصحق : گفت باو آن بنده مگر نمراد کند آن زن برفتن پس من بآن زمین این ها بازگردانیدن بازگردانم مر پوسری تو بآن زمین آنچه بیرون آمدی از آنجا : گفت باو ابرهم حازر (حاضر) باش بتو تا نیاز گردانی مر پسری بآنجا : خدای آن آسمان آنچه بستاند مرا از خانه‌ی پدری من و از زمین مولودجای من و آنچه سخن گفت بمن و آنچه سوگند خورد بمن بگفتن بنسل تو بدهم مر آن زمین این او بفرستد فرشته‌ی بیپیش تو و بستانی زن بیسری من از آنجا : و اگر</p>
---	--	---

<p>بآمدن پس تو و ویژه باشی از سوگند من این کاصه (خاصه) ازمر پسر مرا که باز گردانی بآنجا : و بنهاد آن بنده ازمر دست اوی پرود (فرود) ران ابرهم بارکودای (بارخدا) اوی و سوگند خورد (خورد) باوی ابر این سکون (سخن) این : و بستد آن بنده ده اشتوران از اشتوران بارکودای او و برفت و همه نعمت بارکودای اوی در دست اوی و برکاست (برخاست) و برفت بارم نهریم بشهر نحور : و در زانو کشید آن اشتوران را از بیرون بآن شهر بر چاه آن آب بوقت ایبار بوقت بیرون آمدن آن آب کشان : و چنین گفت ای بوی کودای بار کودای (خدا) من ابرهم پراز (فراز) رسان بپیش من امروز وبکون فچل (فضل) اباز بارکودای من ابرهم : اینک من ایست ابر چشمه از آب و دوکتران مردمان این شهر بیرون آیان بکشیدن آب : و باشد آن کنیزک آنص (آنچه) گویم بآن بچسپان نون سبوی تو تا بی آهنجم و گوید بی آهنج و هنیز اشتوران تو را آب دهم آن را نامزد کرده باشی بنده تو بیصحق و باز بشناسم کو کردی فچل (فضل) اباز بارکودای من : و بود اوی از پیش کو تمام کرد بسکون (سخن) گفتن و اینک ربقه بیرون آیا آنص (آنچه) زاده آمد ببتوال پسر ملاکه زن نحور برادر ابرهم و سبوی آن بر کتیپ (کتف) او : و آن کنیزک نیکو دیدار بغایت آشیزه و مرد نشناکت (نشناخت) آن را و پرود (فرود) شود بآن چشمه و پور کرد سبوی او و برآمد :</p>	<p>اگر نه موراد باشد آن زن بآمدن پس تو و باشی بیزا (ویژه) از سووگند من این خاصا (خاصه) مر پوسر من نه بازگردانی بآن جا : و بنهاد آن بنده مر دست او زیر ران ابرهم سیید او سووگند خورد باو ابر آن سخون این : و بی رایانید آن بنده ده اشتوران از اشتوران سیید اوی و بی رفت و همه نعمت سیید اوی بدست اوی برخاست و بی رفت بارم نهریم بشهر نحور : و بی خوابانید آن اشتوران از بیرون بشهر اباز چاه آب بوقت ایبار بوقت بیرون آمدن آب کشان : و ایدون گفت یا خودای خالی سیید من ابرهم و عده زن نون در پیش من امروز این و بی کون فچل (فضل) اباز سیید من ابرهم : اینک من ایستا ابر چشمه آب و دوختران مردومان آن شهر بیرون آیا آن بکشیدن آب : و باشد آن کنیزک آنص (آنچه) بی گویم بآن مییل کون نون سبودت و بی تنجم و بی گوید بی تنج و انوز اشتوران تو آب دهم آن را ارزانی داشتی بنده تو بیصحق و باز بشناسم کی کردی فچل (فضل) اباز سیید من : و بود اوی انوز نه تمام کرد بسخون گفتن و اینک ربقه بیرون آمد آنچه زاده آمد ببتوال پوسر ملکه زن نحور برادر ابرهم و سبود آن ابر دوش او : و آن کنیزک نیکو دیدار بغایت دوشکیزه مرد نه خلوت ساخت آن را و فرود شد بآن چشمه و پر کرد سبود آن و بر آمد :</p>	<p>نمراد کند آن زن [برفتن پس تو آزاد باشی از سوگند من این خاصه مر پسری من نه باز گردانی بآنجا : بنهاد آن بنده مر دست او فرید آن ران ابرهم خداوند او سوگند خورد باو ابر آن سخن این : بستاند آن بنده ده شترها از شترهای خداوند او بریت و همه نیکترین خداوند او در دست او برخاست و برفت بارم نهریم بشهر نحور : زانو کرد آن شترها از بیرون بشهر بچاه آن آب بوقت ایوار بوقت بیرون آمدن آب آن آب کشان : گفت یا خدای خداوندی من ابرهم فراز رس اکنون بپیش من این روز و بکون فچل (فضل) با خداوند من ابرهم : اینک من ایستاده ابر چشمه ای آب و دختران مردمان آن شهر بیرون آیان بکشیدن آب : و باشد آن دوختر آنچه گویم بآن میل ده اکنون سبوی تو و بی آهنجم و گوید بی آهنج و نیز شترهای ترا آب دهم آن را نامزد کردی بنده ای تو بیصحق و در آن بدانم که کردی فچل (فضل) بخداوندی من : بود او پیش تمام کرد بسخون گفتن و اینک ربقه بیرون آیا آنچه بزاید ببتوال پسر ملکه زن نحور برادر ابرهم و سبوی آن ابر کتف آن : و آن دختر نیکو دیدار بغایت بکر و مرد ندانیست آن را فرود شد بآن چشمه پر کرد سبوی آن بر آمد :</p>
--	--	--

سلیگسن از مقایسه سه قطعه بالا که لازار هم عیناً آن را نقل می کند (ر. ک. لازار، ص ۵۱) چنین نتیجه گیری می کند: به نظر می رسد این اختلافها [بین PL و PV] بیشتر ناشی از گویش محلی باشد، نه تفاوت زمان نگارش. زیرا اختلاف دیگری چه از نظر واژگان و چه از نظر سبک در این دو ترجمه دیده نمی شود. در هردو «نون» (صورت مخفف «آنون») به کار رفته است. هر دو از صورت کهن «آبر» به جای «بر» استفاده می کنند.

همین‌طور «اباز» را به جای «ابا» یا «با» به کار می‌برند (سلیگسوهن ۹-288 p). در تأیید نظر سلیگسن باید افزود که با بررسی دقیق دو ترجمه اسفار خمسه PL و PV از نظر واژگانی و دستوری روشن می‌شود که این دو ترجمه در دو ناحیه با دو گویش متفاوت نگاشته شده‌اند. برای مثال در PL فعل $\sqrt{\text{štp}}$ از $\sqrt{\text{štp}}$ به معنی شستن و غسل دادن واژه «سیل کردن» (PL: ۱۲:۱۵:۳) به کار رفته؛ ولی در PV ترکیب «اسنوده آمدن» (PV: ۳: ۶: ۲۱) دیده می‌شود. اما نکته مبهم اینجاست که برخی لغات کلیدی گویشی که می‌تواند مشخصه گویش آن متن باشد در متن دیگر نیز یک یا دو بار به کار رفته است که احتمال تأثیرپذیری این دو متن از یکدیگر را پیش می‌نهد. برای مثال در PV در ترجمه $\sqrt{\text{štt}}$ و $\sqrt{\text{šqh}}$ به معنی نوشیدن همواره «تنجیدن» به کار رفته و در PL همواره «آهنجیدن». اما در PL یک‌بار نیز «تنجیدن» به کار رفته است (PL: ۱۷:۲۴:۱). در مقابل، شاهد این هستیم که در PL همان‌طور که گفتیم برای فعل شستن «سیل کردن» به کار رفته است و در PV «شستن» یا «اسنودن». اما یک‌بار نیز در PV عبارت «سیل کردن» با املاي syyl krđn (PV: ۱۱: ۱۵: ۳) دیده می‌شود.

چنین کاربردهایی اگر به صورت یک‌سویه در مقایسه دو اثر دیده می‌شد، می‌شد نتیجه گرفت که یکی از دیگری تأثیر پذیرفته است. ولی با توجه به اینکه چنین تأثیراتی در هر دو مورد مشاهده می‌شود، نمی‌توان نتیجه قطعی و درستی از آن حاصل کرد.

مشخصات نسخه دست‌نویس PL

این دست‌نوشته را موزه بریتانیا در ۱۸۹۸ خریداری کرده و با شماره Or 5446 در فهرست نسخ خطی این موزه شماره‌گذاری شده است. متأسفانه دست‌نویس PL کامل نیست. این دست‌نویس از جین 8. iii. (۱: ۳: ۸) آغاز می‌شود (سلیگسوهن، ۱۹۰۳: ۲۸۱). برگه اول 1r با عبارتی از سفر پیدایش (۱: ۳: ۸) آغاز می‌شود. اولین آیه کامل (۱: ۳: ۱۱) است. متن تا آغاز (۱: ۶: ۹) (پایان برگه 3v) ادامه می‌یابد (پییر XI-XII pp). در این قسمت تا (۱: ۹: ۱۲) (بالای برگه 4r) متن افتادگی دارد. سپس متن بدون افتادگی تا دو لغت نخست (۱: ۳۱: ۵۰) (27v31) ادامه می‌یابد (idem). سپس از جین 51. xxxi. (۱: ۳۱: ۵۱) تا پایان جین (پیدایش)، تمامی سفر خروج (Exodus) و آغاز سفر لاویان (Leviticus) تا (۳: ۱۱: ۱۹) مفقود شده است (سلیگسوهن، ۱۹۰۳: ۲۸۱). بنابراین هیچ

اثری از سفر خروج نیست. افتادگی دیگری نیز از پایان سفر اعداد (۴: ۱۷: ۳) تا (۴: ۱۹: ۴) وجود دارد. افتادگی‌های فراوان دیگری نیز در آیات یا عبارات متن، در حد چند کلمه، دیده می‌شود که برخی از آن‌ها را مصحح با استفاده از عبارات یا کلمات دیگر متن کامل کرده است. متن دست‌نویس در سفر تثنیه (۵: ۳۴: ۱۲) (انتهای 123r) پایان می‌پذیرد. دو صفحه آخر متن شامل ترتیب‌گزینشی صرف فعل عبری לשׁחַהּ و ترجمه فارسی-عبری و تنظیمات گرامری آن به عبری است. بعلاوه، توضیحات مختصری در مورد برخی نکات دستوری عبری نیز دیده می‌شود (پی‌XI-XII, pp). بسیاری از برگه‌های دست‌نویس نیز در جای نادرست قرار دارند.

مندرجات برگه آخر (انجامه) نسخه: تاریخ کتابت، نام مترجم و نام کاتب PL

نوشته پایانی متن که تاریخ کتابت آن را ۱۳۱۹ میلادی نشان می‌دهد بسیار مهم است (پی‌XI, p). این نوشته به زبان عبری است و غیر از تاریخ کتابت، حاوی اطلاعاتی در مورد نام کاتب و نام احتمالی مترجم است. این نوشته مطابق خوانش سلیگسن (سلیگسوهن، ۱۹۰۳: ۲۸۲) چنین است:

נכתבה זו תורת משה איש הא' ע"ה בלשון פ'רסי
 על יד העני הנמאם והצעיר של כל ישראל יוסף בר משה נ"ע ונשלמה
 ביום מ[ע]לה בשבת שהוא ארבעה ועשרים יום בחדש אדר שני שנת אלף
 ושש מאות ושלשים לשטרות ואם שניתی בכתבי הוא ימחול עלי וימחה את כל
 הטאתי ויכתב עלי חירות מהם בזכות חכמ' ותלמידה ויסלה לי ויקים עלי
 מק' דכ' ונסלה לכל עדה בני וגו' צונאך דידם כו אסתאד אבי סעיד צון
 נבישתה בוד בר בשאם ראסת ואו סכונהא מוש[א] [כ]ל מזכור (?) כו משרה
 כרדה בוד ובדומיא ואשתקא[ז] [ק] מחכם כרדה צונאך גומלה כ"ד ספרים
 רא אין אסתעדאד באשד מנר סכונהא כודר תורה דאכל
 ואו רוישאן (?) האי תצריף ונכתה כו בכאר שווד אמיכתה כרדה בוד
 למען ירוץ הקורא בה

ترجمه: این تورات موسی مرد خدایی (آرامش بر او باد) به فارسی نوشته شد، به وسیله فقیر محزون و کهنتر همه اسرائیل یوسف پسر موسی (امید که جایگاهش در بهشت باشد). تمام شد در جمعه بیست و چهارمین روز ازادار دوّم، در سال ۱۶۳۰ قراردادها (= ۱۵ مارس ۱۳۱۹ میلادی). اگر من خطایی کردم^۵ امیدوارم که او مرا ببخشد، و امید که او همه گناهان مرا ببخشد و قرار دهد مرا در زمره بخشودگان از گناهان به خاطر حکمت‌ها و دوستانش. امید که او مرا عفو کند و آیه {...} (Num. xv. 26) را در مورد من به کار گیرد. آن‌گونه که من دیدم استادم ابوسعید نوشته بود شرحی آسان و لغت‌های مشکل را شرح داده بود و همراه کرده بود آن را با مثال‌ها و ریشه‌شناسی‌های مستدل، چنانکه همه بیست و چهار کتاب ... تنها لغاتی که متن را شکل می‌دهند و توضیحات گرامری و لغاتی که نقل شده‌اند، آمیخته شده‌اند با

معرفی و بررسی برخی ویژگی‌های اسفار خمسه لندن (PL) «قدیمی‌ترین ترجمه تاریخ‌دار تورات به خط فارسی-عبری» / ۱۱۱
یکدیگر و با آن [ترجمه آیات اسفار خمسه] به نحوی که خواننده می‌تواند کتاب را یکسره بخواند بدون اینکه نگاهی به یادداشتی بیندازد.

بنابراین به نظر می‌رسد «یوسف بن موسی» تنها یک کاتب بوده است و مترجم در اصل «ابوسعید» بوده است که در حدود قرن ۱۳ م (= ۷ ه. ق) می‌زیسته است. واقعیت دیگری که این فرض را تأیید می‌کند این است که معمولاً کاتبان نام خود و تاریخ پایان کتابت را در انتهای نسخه می‌نوشته‌اند (idem). لزار نیز در PL به وجود شارحی مقدم بر نسخه نویسنده معتقد است و این نسخه را رونویسی شده می‌داند (ر. ک. لزارد p 87). اما عقیده باخر این است که «یوسف بن موسی» خود مترجم است و ترجمه ابوسعید برای او به منزله یک الگو بوده است (سلیگسون، ۱۹۰۳: ۲۸۲). پیپر نیز عقیده باخر را در این مورد می‌پذیرد (پیپر XIII p). از ابی سعید یازده بار دیگر نیز در متن نام برده می‌شود (idem). در برخی موارد از ابوسعید به صورت «اوستاد ماضی» (PL ۱۱:۴) و «اوستاد ابی سعید ماضی» (PL ۴: ۳۱: ۵۰) یاد می‌شود.

در بالای صفحه آخر با قلمی دیگر و جوهری که بهتر حفظ شده با اغلاط املائی بیشتر نوشته شده است: نوشته شد در سال ۵۰۷۸ از آغاز آفرینش (این محاسبه اشتباه است؛ از آنجا که سال قبل سال کبیسه نبوده است باید ۵۰۷۹ باشد (سلیگسون، ۱۹۰۳: ۲۸۲). همه محققان تاریخ استنساخ نسخه را ۱۶۳۰ تاریخ قرارداده‌ها یعنی ۱۳۱۹ م دانسته‌اند (ر. ک. پیپر - p XI, سلیگسون، ۱۹۰۳: ۲۸۱؛ لزارد، ۱۹۶۸: ۸۹). لزار درباره قدمت این متن در مقایسه با متون دیگر می‌نویسد: ترجمه پاریس BP (متونی که لاگارده آن‌ها را چاپ کرده)، اسفار خمسه واتیکان PV و ترجمه موزه بریتانیا PL، این ترجمه‌ها که با توجه به زبانشان دارای قدمتی یکسان هستند باید به قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی (هفتم و هشتم هـ. ق) منتسب شوند. واژه‌ها و ساخت‌های کهنه هنوز هم به فراوانی در آن‌ها یافت می‌شوند، اما ویژگی‌های قابل ملاحظه‌ای که موجب می‌شود برای تفسیرهای حزقیال و یوشع و مکاشفه دانیال قدمتی دیرینه قائل شویم در این ترجمه‌ها به چشم نمی‌خورد (لزارد، ۱۹۶۸: ۸۹).

رسم الخط

همان‌طور که گفتیم متون فارسی-عبری به خط عبری نوشته می‌شود، نه خط عربی. در مقابل سی و دو حرف فارسی، عبری فقط بیست و دو حرف دارد. برای جبران این

کمبود زیر و روی برخی حروف عبری را با نقطه یا خط‌هایی نشانه‌گذاری می‌کنند. نشانه‌ها علائمی است که رو یا زیر حروف گذاشته می‌شود تا نشان‌گر واجی نزدیک به واج اصلی آن حرف باشد. این نشانه‌ها در خط فارسی-عربی نیز دیده می‌شود. برای مثال در خط فارسی-عربی با استفاده از نشانه «ب» و اضافه کردن دو نقطه به زیر آن نشانه واج «پ» و با استفاده از نشانه «ک» و اضافه کردن یک سرکج روی آن نشانه واج «گ» به دست می‌آید. در خط فارسی-عربی نیز همین روند دیده می‌شود. برای مثال واج β با نشانه‌گذاری حرف b \bar{b} به صورت \bar{b} (که معادل \bar{b} فاء اعجمی) است و به ندرت در متون کهن فارسی-عربی نیز دیده می‌شود) به دست می‌آید و در تقابل با ww (صامت لبی-دندانی v)، w (صامت لبی گرد w) و b (صامت انفجاری b) در متون فارسی-عربی قرار می‌گیرد.

این نشانه‌گذاری‌ها در هر یک از متون فارسی-عربی تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. این تفاوت‌ها تحت تأثیر عواملی مانند حوزه جغرافیایی تألیف اثر، زمان تألیف اثر و واج‌های به کار رفته در گویش اثر است. تا حدی که برخی این تفاوت‌ها را به عنوان ملاکی برای تعیین حوزه تألیف متون فارسی-عربی مورد بررسی قرار داده‌اند (در این مورد ر. ک. شاکد p112). بنا بر آنچه در بالا آمد روشن است که رسم‌الخط هر متن فارسی-عربی نیاز به بررسی جداگانه دارد. متن PL نیز هرچند با متونی مانند PV و EZ از نظر رسم‌الخط اشتراکات فراوانی دارد؛ اما تفاوت‌هایی نیز با متون مذکور در آن دیده می‌شود.

\bar{d} تنها یک‌بار در این متن در لغت $\delta^t \bar{d}$ به کار رفته است که پیپر در مقدمه و برابره‌های خطی و آوایی فارسی-عربی به آن اشاره نکرده است. در همه موارد دیگری که احتمال وجود واج «ذ» در یک لغت وجود دارد، مانند «پذیرفتن، گذشتن، پذیره» و نظیر آن‌ها، همواره d به کار رفته است. پیپر \bar{d} را نیز معادل w \bar{w} و v و همه آن‌ها را همان «و» می‌داند (پیپر p17). اما به نظر می‌رسد، نمی‌توان آوای این حروف را دقیقاً مانند هم دانست. همان‌طور که در جدول بالا آمد، در این نسخه نویسه \bar{d} برای «چ» و «ص»، نویسه \bar{d} برای «ج»، «غ» و «گ»، نویسه \bar{d} برای «ف» و «پ» و نویسه \bar{d} برای «ک» و «خ» به کار می‌رود. اما عموماً کاربرد این علائم در متن حاضر دقیق نیست^۷ (سلیگسوهن p 282). به عبارت دیگر در اغلب مواردی که یک واژه در فارسی با

معرفی و بررسی برخی ویژگی‌های اسفار خمسة لندن (PL) «قدیمی‌ترین ترجمه تاریخ‌دار تورات به خط فارسی-عبری» ۱۱۳/

«ف» به کار رفته است در متن حاضر با «پ» دیده می‌شود (برای مثال «کپ» = «کف»؛ همین‌طور اگر واژه‌ای در فارسی با «چ» به کار رفته است، در متن حاضر با «ص» ضبط شده است (برای مثال «آنص» = «آنچ»). همین نکته باعث ابهام در خوانش لغاتی می‌شود که تنها در این متن به کار رفته‌اند. برای مثال: پیرد (فیرد؟) py^ard در ترجمه קמח קמח qmh (محصول درون شده)؛ پیلزن (فیلزن؟) pylzn در ترجمه יקב yqb (سردابه‌ای که شیره انگور از چرخشت بدان جا جاری می‌شود). حروف الفبا و نشانه‌های به کار رفته در متن حاضر به ترتیب زیر است:

حروف الفبا و ارزش آوایی آن‌ها در PL

حروف فارسی-عبری	معادل فارسی-عربی	آوانویسی لاتین	حروف فارسی-عبری	معادل فارسی-عربی	آوانویسی لاتین
א	خ	/a/ā	א	خ	x
ב	ب	b	ב	ل	l
ב	ب	β	ב	م	m
ג	گ	g	ג	ن	n
ג	غ	γ	ג	س	s
ד	ج	j	ד	ع	‘
ד	د	d	ד	پ	p
ז	ذ	δ	ז	ف	f
ה	هـ	h	ה	ص	š
ו	و	w?/v?/o/u	ו	ض	z
ז	ز	z	ז	چ	č
ז	ز	ž	ז	ق	q
ח	ح	ħ	ח	ر	r
ט	ط	ṭ	ט	ش	š
ט	ظ	ẓ	ט	ت	t
י	ی	y /i/ e /ē?	י	ث	θ
ק	ک	k	ק	و	v / ow?

ارزش عددی حروف و شیوه عدد نویسی PL

در عبری نیز مانند آرامی و برخی زبان‌های سامی دیگر اعداد علائم مستقلی ندارند؛ بلکه به اعتبار این که حروف علاوه بر ارزش آوایی و واجی، ارزش عددی نیز دارند، از حروف الفبا برای نشان دادن اعداد نیز استفاده می‌شود (ربحی کمال، ص ۷۶). این ارزش عددی، بر اساس ترتیب ابجدی حروف محاسبه می‌شود. در متن حاضر نیز حروف الفبای عبری علاوه بر ارزش آوایی‌شان، دارای اعتبار عددی نیز هستند و در چنین مواردی یک نقطه به صورت بالا نوشت روی حرف دیده می‌شود (پیر XIII، p). این شیوه عدد نویسی، در نگارش اعداد ترتیبی نیز به اشکال زیر دیده می‌شود: حرف الفبا + اوم-این]. برای مثال:

ב אומי = ۲ اومین (۱: ۴: ۱۹)؛ 6 אומי = ۴ اومین (۱: ۱۵: ۱۷)؛ א אומי = ۷ اومین (۳: ۱۳: ۵)؛ 6 אומי = ۳ اومین (۱: ۲۲: ۴).

در صورتی که عدد به واج h ختم شود (مانند یازده، چهارده و ...)، این h به پسوند اضافه می‌شود. در نتیجه، پسوند «اوم-این]» به صورت «هوم-این]» نوشته می‌شود:

י ד הום = ۱۴ هوم (۱: ۱۴: ۵)؛ יא הום = ۱۱ هوم (۵: ۱: ۳)؛ יד הום = ۱۴ هوم (۴: ۹: ۳)؛ הי הום = ۱۵ هوم (۳: ۳: ۲۳: ۶).

گاهی نیز خود عدد به صورت حروفی نوشته می‌شود:

דואומי = دو اومین (۱: ۳۰: ۷)؛ סיומי = سیومین (سومین) (۱: ۳۱: ۲۲)؛ השתומי = هشتمین (۳: ۱۲: ۳)؛ דוימי = دویمین (۴: ۹: ۱)؛ נכוסת מי = نخستمین (۱: ۲۵: ۲۵).

گاهی نیز اعداد عطفی با حروف الفبا نشان داده می‌شوند:

זא = هفتاد و هفت (۷۰ و ۷) (۱: ۴: ۲۴)

اعراب‌گذاری

یکی از ویژگی‌های جالب PL که در برخی متون دیگر فارسی- عبری مانند غزل غزل‌های سلیمان (نسخه اورشلیم) نیز دیده می‌شود، اعراب‌گذاری آن به شیوه بابلی است (برای توضیحات بیشتر در مورد این شیوه اعراب‌گذاری ر.ک.: بادیلوس 98-103 pp). کلمات عبری ابتدای آیات همگی با گذاشتن علائم شیوه اعراب‌گذاری بابلی، مشکول شده‌اند. در

بسیاری موارد لغات آرامی و عبری بخش یادداشت‌ها نیز به همین صورت مشکولند. اما جالب اینجاست که در برخی موارد همین شیوه اعراب‌گذاری عبری، برای لغات فارسی نیز به کار رفته است.

نظام اعراب‌گذاری تیبیرین نیز به ندرت در متن دیده می‌شود (برای توضیحات بیشتر در مورد این شیوه اعراب‌گذاری (ر.ک.: بلاو 18-105 pp, - پجر 9-446 p,). در اغلب موارد کلمات با هر دو شیوه اعراب‌گذاری شده‌اند (پپر XIV p). با این تفاوت که شیوه اعراب‌گذاری بابلی اغلب در لغات ابتدای آیات که عبری هستند دیده می‌شود. این شیوه در لغات عبری یادداشت‌ها و تفسیرها نیز دیده می‌شود. در مقابل، شیوه اعراب‌گذاری تیبیرین در لغات فارسی دیده می‌شود. در زیر به بررسی و ارائه نمونه‌هایی از این اعراب‌ها در لغات فارسی متن PL خواهیم پرداخت.

- a (segol) : از علائم شیوه تیبیرین است و در عبری به عنوان شوا استفاده می‌شود و پرکاربردترین علامت برای مصوت a در PL است. جایگاه این علامت همواره روی حرف است. غیر از این علامت، علامت‌های دیگری نیز برای مصوت a در متن حاضر به کار رفته‌اند که کاربرد بسیار محدود دارند و در آخر ذکر می‌شود:

אָבֶר (۱: ۹: ۱۴) : ^abr : אֶבֶר (۱: ۱۰: ۱۰) : ^awl : אֵוֶל (۱: ۳۰: ۲۰) : ^ark
: בְּרֵחַ; קֶוֶם (۱: ۲۳: ۱۱) (۱: ۲۷: ۸) : ^awm : قוֹם (قس: קוּם (۱: ۲۳: ۱۲ و ۱۳)) ; בְּקֶוֶם
(۱: ۲۳: ۱۵) : ^ar : בְּקֶוֶם (= دفن کن، به خاک بسپار) ; אֶמֶר (۱: ۲۱: ۲۰) : ^amr : אֶמֶר
(۱: ۱۹: ۱۳) : ^an : מֶן ; מֶן (۱: ۱۲: ۱۵) : ^ah : כֶּנֶה (= خانه)

... /u/ : **qubutz** : این اعراب از علائم شیوه تیبیرین است و جایگاه اصلی آن زیر حروف است؛ اما به ندرت بالای آن‌ها نیز به کار رفته است. این علامت بیشتر در مواردی به کار می‌رود که کاتب حرف w را از قلم انداخته و برای جبران اعراب (..) را به کار برده است:

אֵינְךָ מִן (۱: ۲۲: ۷) : ^umn : اینک [و] م من ; אֵינְךָ (۱: ۱۳: ۳) : ^udh :
שָׁלוֹם דֵּה ; יְנוּה (۱: ۱۵: ۱۳) : ^uh : کُלו [و] نَه (= که نه) ; יְנוּהִים (۱: ۲۴: ۳۵) : ^uym
: מְלוֹ נַעִים ; מְלוֹ (۱: ۲۴: ۱۴) : ^uym : מְלו [و] جَرִים (.. بالای מ قرار دارد)

. /i/ : **hiriq** : این اعراب از علائم شیوه تیرین است و جایگاه آن زیر حرف

است؛ اما گاهی روی حرف یا حرف پس از آن دیده می‌شود

סניל (۱: ۱۱: ۳۱) : sn^lyl : سنیل؛ נסוי (۱: ۲۷: ۱۶) : nswyyⁱ : نسویی؛ יגאנהיי (۱: ۳: ۲۲) : yg^hny^y : یگانه‌یی؛ מהימאני (۱: ۲۹: ۲۲) : mhymⁿyⁱ : مهیمانی؛ נעליני (۱: ۱۴: ۲۳) : n^llyⁿyⁱ : نعلینی؛ נרינה (۱: ۱۷: ۱۲) : nr^lynh : نرینه

. /e/ : **tzere** : این اعراب از علائم شیوه تیرین است و جایگاه اصلی آن در زیر

حرف است؛ ولی در متن حاضر بیشتر در بالای حرف گذاشته شده است.

נה מיתואנם (۱: ۱۹: ۱۹) : nh m^etwⁿnm : نه می‌توانم؛ יצאש (۱: ۳۰: ۸) : p^eycš :
 پیچش؛ נכנדידם (۱: ۱۸: ۱۵) : n^ekndydm : نکندیدم (= نخندیدم)؛ נתואה כונם (۱: ۱۸: ۱):
 (۳۲) : n^etw^hkwnm : نتواه کونم؛ מלם כרד (۱: ۱۹: ۳) : mk^es krd : مکس کرد (قس):
 מכיס (۱: ۱۹: ۳)؛ מיי (۱: ۹: ۲۴) : m^ey : مئی (قس): מיי (۱: ۹: ۲۱) : myy (

. /ā/ : **qamatz** : در عبری نمایشگر ā کوتاه /a/ است؛ ولی در آوانویسی متون

فارسی- عبری همیشه با ā نشان داده می‌شود.

בקברם (۱: ۲۳: ۱۳) : bq^ābrm : בפתנד (۱: ۲۰: ۱۷) : y^āptnd : כונד (۱: ۳۴: ۴۹) :
 kwn^ād : بکت (۱: ۲۷: ۱۷) : bs^ākt (= بساخت)؛ טעמהא (۱: ۲۷: ۷) : 'mh^ā؛ אָאן (۱: ۹: ۱۸) : y^ān (= آینده، کسی که می‌آید)

Ā : ā : **(qamatz)** : از علائم شیوه بابلی است و روی حرف قرار می‌گیرد. تقریباً

همیشه در جایگاه کسره اضافه دیده می‌شود و به ندرت در میان کلمه به کار رفته است.

בפדר אן (۱: ۳۱: ۳۵) : bpd^en : הרדויאן איאם (۱: ۳۱: ۳۷) : hrdwyⁿ^e :
 מן (۱: ۶: ۳) : rwh^emn : רטובט אב (۱: ۶: ۱۴) : b^ewt^e : נשאן אן (۱: ۹: ۱):
 (۱۷) : n^en^e : נושתה כנישכרדה (۳: ۱۹: ۲۸) : nwsth^e knyš krdh :

. /ə/ : **shva** : در عبری نشانگر سکون متحرک است که آوای آن به مصوت

قبلی بستگی دارد؛ اما در فارسی- عبری به ندرت و برای نشان دادن ساکن به کار می‌رود.

עֲרֶזָה (۳: ۱۳: ۲) : 'r^əzh

. /^ʔ/ : **dagesh** : این علامت درون حروف قرار می‌گیرد و نشانه تشدید است.

מותכבר (۴: ۱۵: ۱) : mwtk^abbr

سه علامت زیر برای مصوت a و در اغلب موارد برای کلمات عبری به کار می‌روند؛ اما بسیار به ندرت روی کلمات فارسی نیز دیده می‌شوند:

” a (zere): از علائم سیستم بابلی (

בַּאֲיָמָם (۱: ۶: ۱۴): b^ay³m (= به ایام); מוֹת־כַּבֵּר (۴: ۱۵: ۱) : mwtk^abbr =>

متکبیر)

ā / aḥ : pataḥ (از علائم شیوة بابلی)

ā z^an : (۱: ۳: ۱۵)

˘ a : (۴)

מַשְׁבֵּט : mṣ^ḳb^at : (۱: ۲۷: ۴۱)

مآخذ PL

این متن در پایان قرن اول حمله مغول به ایران نوشته شده است و به همین دلیل تأثیر جریان‌های دینی، فکری و فلسفی پیش از این تاریخ در آن دیده می‌شود. برای مثال سنت رتیونی به طور گسترده‌ای در آن دیده می‌شود و این نکته متن حاضر را به سنت شفاهی جوامع عبرانی غربی‌تر فارسی زبان پیوند می‌زند. در عین حال شرح‌ها و یادداشت‌های این متن ارتباط نزدیکی با متن تورات^{۱۱}، ترگوم‌ها^{۱۲}، میشنا^{۱۳} و تلمود^{۱۴} و نظریات دستوری و فلسفی موسی بن میمون^{۱۵} (۱۲۰۴-۱۱۳۵ م) [از فلاسفه بزرگ عبرانی] دارد (پیر XI p.). بر اساس نظر پیپر در سراسر متن حاضر تأثیر شدید ترگوم آنکلوس (Onkelos) نیز دیده می‌شود. برای مثال در پیدایش (۱: ۲۲: ۱۴) ترجمه یک آیه کامل از این ترگوم آمده است (نیز نک: ۱: ۳۰: ۲۴: ۳: ۱۳: ۴: ۱۵: ۳۱: ۴: ۲۶: ۱: ۴: ۳۱: ۵۰: ۵: ۱: ۵: ۳: ۲۴: ۷: ۱۰: ۵: ۲۱: ۸ و ...). (پیر XV p.). گیدی و سلیگسن برخلاف نظر پیپر معتقدند «ترجمه واتیکان (PV) بر ترگوم آنکلوس بنا شده است؛ اما نسخه PL با متن تورات بیشتر منطبق است و از تفسیر تلمودی (Talmudic Exegesis) تبعیت می‌کند. سلیگسن عبارت מִפְנֵי שִׁיבָה תְּקוּם (Lev. xix. 32) را نیز نقل می‌کند که در آن، عبارت‌های طولانی‌ای از تلمود (Kedushin, 32b, 33a) نقل شده است. دو بخشی که در پایین نقل می‌شود گزیده‌هایی است که به نظر سلیگسن به گونه‌ای خاص تفاوت بین این دو ترجمه (PL و PV) را نشان می‌دهد» (Seligsohn, p 280) (از چپ به راست: PL و PV):

ها نه اگر نیکی کونی آموزیده آبی و اگر نه نیکی کونی بدرگاه کطاگاران (خطاگاران) گرفتار شوی و بتو محتاجی اوی و تو مسلط باشی باوی	ها نه اگر نیک باشد کردار تو آموزیده آید بتو نه نیک باشد کردار تو بروز داووری خطا نیگه داشته خود ^{۱۳} بموکافات خواستن از ت ^{۱۴} اگر نه باز گردی آموزیده آید بتو
---	---

برای مقایسه عین عبارت تورات در زیر نقل می‌شود:

הלוא אם תיטיב שאת ואם לא תיטיב לפתח חטאת רבץ ואלیך תשוקתו ואתה
תמשל בו (جین: ۴: ۷)

آیا [این گونه] نیست که اگر نیکی کنی آموزیده شوی و اگر نیکی نکنی، گناه در
درگاه خوابیده است و اشتیاق او به توست و تو به او مسلط خواهی بود (مگیل 1, p 1).

و گویت (گفت) کودای (خدا) نه پاینده باشد روح من در مردوم بجاوید بسبب آنص (آنچه) اوی گوشتمند و باشند روزگاران اوی قب (۱۰۲) سال	و گویت خودای نه ثابت شده آید دارا بر این در پیش من بجاویدان بجاده آنص (آنچه) ایشان گوشتندان و عمل‌ها ایشان بدان درازی داده آید ایشان قب (۱۰۲) سال اگر تشوبه کوندند
---	---

برای مقایسه عین عبارت تورات در زیر نقل می‌شود:

ויאמר יהוה לא ידון רוחי באדם לעלם בשגם הוא בשר והיו ימיו מאה ועשרים
שנה (جین: ۶: ۳)

و خدا گفت روح من جاوید نخواهد بود در انسان، زیرا او نیز از گوشت است و
عمر او صد و بیست سال خواهد بود (مگیل 1, p 15).

با توجه به اصل عبارات تورات روشن است که PL در بخش ترجمه آیات
هماهنگی بیشتری با متن تورات و تفسیر تلمودی دارد. اما نکته‌ای که باید مورد توجه
قرار گیرد این است که PL دارای یادداشت‌ها و بخش‌های الحاقی فراوانی است که در
PV دیده نمی‌شود. با بررسی این یادداشت‌ها روشن می‌شود که متن آنها و شواهدی که
در انتهای آیات ذکر شده است بیشتر تحت تأثیر ترگوم‌ها بوده است. بنابراین در
تأثیرپذیری و شناسایی منابع PL باید بین بخش ترجمه آیات و یادداشت‌های الحاقی به
آن تفاوت قائل شد.

یادداشت‌ها و بخش‌های تفسیری و الحاقی به ترجمه فارسی PL

در ابتدای هر آیه از PL یک یا دو کلمه مشکول از اصل عبری آیه ذکر و سپس ترجمه
آغاز می‌شود. معمولاً پس از اتمام آیه‌هایی که از نظر لغوی دشواری‌هایی دارند،
توضیحاتی اغلب به عبری و گاهی فارسی ذکر می‌شود. گاهی نیز در بین آیات

توضیحاتی در حد ذکر مترادف‌هایی برای لغات مترجم مبهم دیده می‌شود. بنابراین دو نوع یادداشت الحاقی در این متن دیده می‌شود: اول در انتهای آیات، دوم بین آیات.

یادداشت‌های انتهای آیات: به گفته سلیگسن مترجم این متن [PL] یک یادداشت‌نویس (Commentator) و دستوری نیز بوده است. زیرا اغلب ترجمه‌های آیات با یک توضیح در مورد لغت‌هایی که به نظر او مهم هستند، با مثال‌هایی از عبارت‌های دیگر که همان لغت را دارند، دنبال می‌شود (Seligsohn, p 280).

این بخش‌ها معمولاً با عبارت $\text{דְּמַי} \text{ dwm}$ آغاز می‌شوند که صورت مخفف لغت آرامی $\text{דְּמַי} \text{ dwmy}$ است. صورت کامل این لغت سه بار در متن دیده می‌شود: این یادداشت‌های الحاقی گاهی شامل توضیحات گرامری است. ولی اغلب عبارت‌هایی از قسمت‌های دیگر تورات را برای روشنی مطلب و به عنوان شاهد نقل می‌کند (Paper, p12). نمونه‌ای از این یادداشت‌ها:

وبزاد عده ازمر یوبل اوی بود مهتر همه نشینان گویان وویبمه ونام برادر اویوبل
اوی بود مهتر همه گیران چنگ و کونیا $\text{דְּמַי} \text{ dwm}$ למען תפוש את בית ישראל בלבם
תפשו חיים (کینگش. x.p 14) و صلح هنیز آن بزاد ازمر توبل قیین سیل کونا یعنی
تیزکونا همه اوستادی‌کونا میس و آهن وکواهر توبل قین نعمت $\text{דְּמַי} \text{ dwm}$ צרי ילטוש לאינו
(جب 9 p. xvi) جین - 12 p. xxviii. پپر (p12).

یادداشت‌های میان آیه‌ای: در چهل و چهار مورد یادداشت‌هایی می‌توان یافت که به جای انتهای آیه در میان آیه نوشته شده‌اند. این موارد معمولاً با لغات לְאָדָּי «یعنی»، לְאָדָּי «نیز» و לְאָדָּי «نیز گویند» مشخص می‌شود (پپر XIV p.). در چنین مواردی معمولاً مترادف لغت پیش از «یعنی، نیز، نیز گویند» ذکر می‌شود: X (= لغت اصلی) + نیز، یعنی، نیز گویند + Y (= مترادف). این مترادف‌ها در برخی موارد، گویشی و دشوارتر از لغت اصلی و در برخی موارد به فارسی معیار نزدیک‌تر و ساده‌تر از آن هستند. این شیوه می‌تواند از یک سو نشان‌دهنده وفاداری کاتب یا یادداشت‌نویس (یوسف بن موسی) به متن مترجم ابی سعید و از سوی دیگر نشان‌دهنده تفاوت زمانی یا مکانی یوسف بن موسی یا کسانی که وی این کتاب را برای آنها می‌نویسد با ابی سعید باشد. زیرا نامفهوم بودن برخی لغات از فاصله زمانی یا مکانی حکایت می‌کند. این سبک یادداشت نویسی در غزل غزل‌های سلیمان (۷: ۶ و ...)، تفسیر حزقیال (۶: ۴ و ...) و فرهنگ موسی

شیروانی (بجر 15-214 pp) نیز دیده می‌شود. در برخی موارد نیز از «و» یا «ن» «یا» بلافاصله پس از لغت مورد بررسی استفاده شده است (پپر XIV p).

نتیجه

با توجه به آنچه در بالا ذکر شد، روشن است که متون فارسی-عبری، به‌ویژه ترجمه‌های اسفار خمسه، اهمیت زیادی در روشن شدن زوایای تاریک زبان و فرهنگ ایران دارند. چرا که در این منابع نکاتی یافت می‌شود که در هیچ‌یک از متون دیگر فارسی به دست نمی‌آید. اسفار خمسه لندن یکی از مهم‌ترین این منابع است که در مقاله حاضر برخی ویژگی‌های آن بررسی شد. بسیاری از این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که این متن در جنوب غربی ایران نوشته شده است. اما برای نتیجه‌گیری قطعی نیاز است که متون دیگری نیز در این حوزه شناسایی، تصحیح و بررسی شوند.

علائم اختصاری متون

PL	→	Paper 1972		اسفار خمسه لندن
PV	→	Paper 1965		اسفار خمسه واتیکان
Ta	→	Seligsohn 1903		ترجمه طاووسی

پی‌نوشت‌ها

۱. متن PL و بسیاری از منابع دیگر منحصر به فرد فارسی-عبری را استاد علی اشرف صادقی با گشاده دستی در اختیار نگارنده قرار دادند و در تمام مراحل تحقیق راهنمایی‌های ارزشمند خویش را دریغ نفرمودند. بی‌یاری ایشان تحقیق در این زمینه به هیچ روی میسر نبود و به سرانجام نمی‌رسید. از ایشان سپاس‌گزارم و طول عمر و سلامتی برایشان آرزومندم.

۲. ادبیات فارسی-عبری به دسته‌ای از متون گفته می‌شود که زبان آن‌ها فارسی (و به عبارت دقیق‌تر گونه‌های مختلفی از فارسی) است و با خط عبری به نگارش درآمده‌اند. این ادبیات دارای هیچ‌گونه وحدت زبانی نیست و منظور از آن صورت خاصی از فارسی نیست که با مشخصات ثابت و یکسان در تقابل با فارسی رسمی قرار بگیرد (لازار، ص ۳۲). به عبارت دیگر فارسی-عبری گونه‌ای خاص از فارسی نیست؛ بلکه بر چند گونه مختلف از فارسی دلالت می‌کند که جوامع عبرانی ایران بدان تکلم می‌کرده‌اند و متون آن به خط عبری به نگارش درآمده‌اند (رضایی، ص ۱۲).

۳. احتمالاً «فروود» است

۴. در ترجمه پیپر: شب عید سبت

۵. در ترجمه پیپر: اگر من در نوشته‌ام خطا کرده‌ام

۶. در خط فارسی-عبری ww می‌تواند نشان‌گر صامت v باشد (اسموسسن p11)، (در تقابل با w به عنوان مصوت o/u). این شیوه در خط اوستایی هم دیده می‌شود (رک: جکسون p 3). اما این قاعده املایی در PV با دقت بیشتری نسبت به BL اعمال شده است. برای مثال به نمونه‌های زیر از BL توجه کنید: بیور (۱: ۲۴: ۶۰)، آوردم (۱: ۱۵: ۷)، داور (۱: ۱۵: ۱۴)، رویش (رفتن) (۱: ۱۷: ۱)، قوی (۱: ۱۸: ۵) و ... در صورت رعایت شدن این قاعده املایی در همه موارد بالا باید ww به کار می‌رفت.

۷. سلیگسن کاربرد h π به جای h π و بالعکس و نیز کاربرد b ɔ به جای w ɔ و بالعکس را نیز از همین مقوله در نظر گرفته است (سلیگسوهن p 282)؛ اما به نظر می‌رسد برخی از چنین کاربردهایی با تحولات آوایی زبان فارسی توجیه‌پذیر هستند. برای مثال لغات (PV) zhd'n: ۱: ۳۰: ۲۳)، (در ترجمه שש ש: زهدان) و (PV) zhystrn: ۱: ۱۹: ۵)، (PV) ۵: ۱: ۵: ۱: ۳ (در ترجمه h π π hyh: زیستن) نمونه‌های خوبی در این مورد است. شاید در ابتدا به دلیل کاربرد π h به جای h π در لغات «زهدان و زهیستن» به نظر برسد که این اغلاط ناشی از کم‌سوادی نویسندگان یا در برخی موارد بی‌دقتی و کم‌سواد کاتب بوده است. اما باید دانست که در برخی نواحی ایران آواهای عربی بر فارسی تأثیر گذاشته‌اند. در فارسی شوشتری آمده است: در این لهجه «ح، ع، ق» عربی با تلفظ اصلی خود باقی مانده و حتی این تلفظ‌ها به بعضی از کلمات ایرانی‌الصل و غیر آن مانند عسب (اسب)، عرس (ارس، اشک)، فحمیدن (فهمیدن) و غیره نیز سرایت کرده است. به نقل از صادقی، ص ۲۶).

۸. مقصود دو قسمت پیامبران و تألیفات است که با اسفار خمسة (شریعت) قسمت‌های مختلف تورات (عهد قدیم) را شکل می‌دهد.

۹. «ترگوم» ترجمه آرامی عهد عتیق است (برای توضیحات بیشتر در مورد ترگوم رک: بچر / (b, v. XII, p 57-63).

۱۰. میشنا یا مشنه (عبری: משנה) به معنی «تکرار و تلقین»، کتابی است که یکی از دین‌پژوهان عبرانی به نام خاخام یهودا هناسی با جمع‌آوری مکتوبات متفرق هلاخایی در یک‌جا تدوین نمود و به صورت کتاب ویژه تورات شفاهی درآورد. مجموعه هناسی در همه مدارس عبرانی آن زمان پذیرفته شد و جای آثار پیشین را گرفت. میشنا حاصل کار شش نسل از تنائیم یا عالمان شریعت شفاهی است (برای توضیحات بیشتر در مورد میشنا رک: لاتریچ Vol, VIII, p 609-19).

۱۱. کلمه تلمود به معنی آموزش از فعل ثلاثی عبری لامد یعنی یاد داد می‌ید و یا واژه تلمیذ و مشتقات آن که در زبان عربی رباعی هستند ارتباط دارد. تلمود کتاب بسیار بزرگی است که احادیث و احکام دین یهود و فتاوی فقیهان این قوم را در بر دارد (برای توضیحات بیشتر در مورد تلمود رک: ایسنستین V. XII, p 1-39).

۱۲. در لاویان (۳: ۱۹: ۳۲) و خروج (۵: ۱۲: ۴)، (۵: ۱۴: ۲۶) و (۵: ۱۶: ۳) نیز عبارت‌هایی از میشنای میمون نقل شده است (پیپر p XV).

۱۳. در متن سلیگسن xw'd آمده و طبق متن مصحح پیپر xw'hd است

منابع

- ربحی کمال، دروس اللغة العبرية، مطبعة محمد هاشم الکتبی، الطبعة الخامسة، ۱۹۷۱.
صادقی، علی اشرف، نگاهی به گویش‌نامه‌های ایرانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی با همکاری فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۹.
لازار، ژیلبر، شکل‌گیری زبان فارسی، ترجمه مهستی بحرینی، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۸۴.

- Asmussen, J.P., *Jewish-persian Texts, Introduction, selection, and golssarly*, Otto Harrassowitz, Wisbaden, 1968.
Asmussen, J.P., and H.paper, *The Song of songs, texts, Glossary*, kobenhaven, 1977.
Bacher W., "Ein hebraisch- persisches wörterbuch aus dem 15 Jahrhundert", *Zeitschrift für die Alttestamentliche Wissenschaft* 16, pp. 201-47, 1896.
Bacher, W., "Vocalization", *Jewish encyclopedia*, 12 vols, ed. Joseph jackobs, funk & wagnalls company, new york & London, 1906.
Badillos Sáenz, Angel, *A History of the Hebrew Language*. Cambridge University Press. 1993.
Blau, Joshua, *Phonology and Morphology of Biblical Hebrew*. Winona Lake, Indiana: Eisenbrauns, 2010.
Jackson, Williams, *An Avesta grammar in comparison with Sanskrit*, Stuttgart, 1892.
Lazard, gilbert, "La dialectology du judeo-persan", *studies in bibliography and booklore* 8, pp 77-98, 1968.
Magil, Joseph, *Linear school bible*, Hebrew Publishing Company, New York, 1905.
Paper, H. H., "The Use of (ha)mē in Selected Judeo-Persian Texts", *Jornal of the American Oriental Society* 88., 1968, 483-494.
Paper, H.H., "The Vatican Judeo- Persian Pentateuch: Numbers", *Acta Orientalia* xxix, 3-4. pp. 253-370, 1965a.
Paper, H.H., "The vatican Judeo- Persian Pentateuch: Exodus and Leviticus", *Acta Orientalia*, xxIx, 1-2, pp. 75-181, 1965b.
Paper, H.H., "The Vatican Judeo- Persian Pentateuch: Genesis", *Acta orientalia*, xxviii 3-4, pp. 263-340, 1966
Paper, H.H. *A Judeo-Persian Pentateuch*, The Text of the oldest Judeo-Persian pentateuch translation , British Museum Ms. Or. 5446. Jerusalem and Leiden, 1972
Seligsohn, M., "The Hebrew-Persian MSS. of the British-Museum", *The Jewish Qarterly Rewiew*, 1903

- Shaked, Sh. "Klassifikation of linguistic features in early Judeo- Persian texts", Exegisti monumenta, festschrift in Honour of Nicholas Sims-Williams, Edited by Werner sundermann, Almut Hintze and Francois de Blois, Harrassoutz verlag, 2009
- Lauterbach ,J. Z“ ,Mishnah ,”*Jewish encyclopedia* ,Vol. VIII, ed. Joseph jackobs, funk & wagnalls company, new york & London, pp. 609-19.1906.
- Eisenstein, J. D., “Talmud ,”*Jewish encyclopedia* ,Vol. XII, ed. Joseph jackobs, funk & wagnalls company, new york & London, pp. 1-39.. 1905.

